

استاد پروری، آفت بزرگ موسیقی ایران

حال آنکه نت از نظر بیان و ارتباط حسی موسیقی، این توانایی را ندارد. نت می‌تواند اصول و حرکت یک رنگ یا یک نغمه را برای تکرار دیگران ثبت کند، اما قادر نیست همه خصوصیات عاطفی نوازنده را به دیگری برساند. حال آنکه نوازنده می‌تواند همان نغمه را هریار با توجه به خصوصیات روحی خود، با حالتی تازه بنوازد. هر استاد، آموخته‌های خود از ساز تخصصی خود را به اضافه معرفت، موسیقی و هنر به شاگردان می‌آموزد. به علاوه هر نوازنده درک و تلقی خاصی از گوشه‌ها و دستگاه‌ها می‌یابد که با حالات عاطفی او در کشش و کوشش است. این عوامل به اضافه درک از استاد و میزان گیرندگی او از نقحه‌ها، سبک کار او را تشکیل می‌دهد. این است که روش زدن هر نوازنده‌ای با وجود شباهت به سبک استاد وی، در عین حال از نظر بیان حالات استقلال دارد.

درباره آموزش موسیقی می‌پرسم و اینکه آیا استاد کسی را جانشین خود در سه‌تارنوازی می‌شناسد یا نه؟ پنهان نمی‌کند که در سه‌تارنوازی کسی را جانشین خود نمی‌شناسد. وقتی می‌گویم "چرا؟" پاسخ می‌دهد: "خیلی‌ها بودند و هستند که جانشین ندارند. مثل مرحوم حبیب سمعی در سنتور، مثل شادروان حسین تهرانی در ضرب. مانند روانشاد بنان در آواز ایرانی."

می‌پرسم چرا مثل تهرانی و مرتضی محجوبی دیگر پدید نمی‌آیند؟ می‌گوید: "قدرت پنجه‌ها و قدرت نوازندگی ایرانی مرحوم محجوبی چیز دیگری بود. در نواختن پیانو استاد مسلم بود. سازی که برای اجرای موسیقی کلاسیک غربی ساخته شده است. نظیر او دیگر نداریم.

تربیت هر نوازنده بستگی به محیط، استادان، قریحه و پشتکار خود او دارد. مرحوم محجوبی در خانواده‌ای بزرگ شد که به هنر علاقه داشتند و آن را تشویق می‌کردند. عواملی هم از جمله استاد و وسیله آماده بود. این عوامل به اضافه عشق و علاقه، حساسیت خود مرحوم محجوبی و محیط اجتماعی علاقمند به موسیقی ایرانی از او نوازنده‌ای بی‌نظیر ساخت. هروقت این عوامل باهم جمع شوند، ستاره‌ای طلوع خواهد کرد."

"از آفت‌های بزرگ موسیقی امروز ما، استادپروری است. هر نوازنده‌ای به محض آنکه مستمعانی یافت، اجازه می‌دهد به او "استاد" بگویند. حال آنکه شاید شاگردی تمام عیار



قاضی زاده

گفتگو با استاد احمد عبادی

در آغاز استاد درباره نوازندگی می‌گوید: ساز و بخصوص سه‌تار را وقتی می‌توان گوشنواز زد، وقتی می‌توان حالات عاطفی نواختن را به شنونده منتقل ساخت که دست نوازنده از سویی به سیم و از طرف دیگر به رشته قلب و احساس شنونده و او مربوط باشد. این عرفان موسیقی است.

از او می‌پرسم: آیا موسیقی آوازی ایرانی را می‌توان در قید نت درآورد؟ پاسخ می‌دهد: "پایه نوازندگی سازهای ایرانی بیان حالات در چارچوب یک دستگاه، گوشه یا نغمه است.

استاد احمد عبادی فرزند استاد بزرگ موسیقی ایرانی میرزا عبداللّه و نواده آقاعلی اکبر فراهانی است. مرحوم آقاعلی اکبر و فرزندان او میرزا عبداللّه و میرزا حسینعلی ردیف موسیقی ایران را مرتب کردند و بدیشان یادگاری بزرگ از خود به جای گذاشتند. استاد احمد عبادی که او را برجسته‌ترین نوازنده سه‌تار و زنده‌کننده این ساز می‌دانند در گفت‌وگوی کوتاهی با آدینه گوشه‌ای از نظریات خود را با آدینه در میان گذاشته است.

هم نباشد. وقتی استاد هنرمندی، شاگردانی دارد و آن شاگردان هم شاگردانی، شاگردان استاد، نمی‌توانند خود را استاد بخوانند. یا اجازه دهند به او استاد عنوان دهند. آخر وقتی کسی هنوز در آموزش به اصطلاح شش‌دانگ نشده باشد، نمی‌تواند به مقام استادی برسد. وقتی به کسی استاد گفتید، در واقع نیاز به آموختن بیشتر را از او دریغ کرده‌اند.

استاد عبادی در ادامه خاطره‌ای را تعریف می‌کند: "وقتی کسی از من خواست تا قطعه‌ای در ابوعطا بزنم. زدم و او "به‌به" فراوانی تحویل داد. در جای دیگر باز از من به اصرار خواست که در همان نغمه، چیزی تقدیم کنم که من مخصوصاً ماهر زدم و او باز در زیبایی ابوعطا مبالغه‌ی "به‌به" گفت و مدعی شد که عیناً همان است که در مجلس اول شنیده است." و نتیجه می‌گیرد: "به‌به شنیدن بیجا، هنرمند را ضایع می‌کند. باید دید این "به‌به" را چه کسی می‌گوید. آیا صلاحیت این تأیید را دارد؟ الان چند هزار نفری سه‌تار مشق می‌کنند. اگر به همه "به‌به" بگویند، یک استاد واقعی از میان آنان ظهور نخواهد کرد."

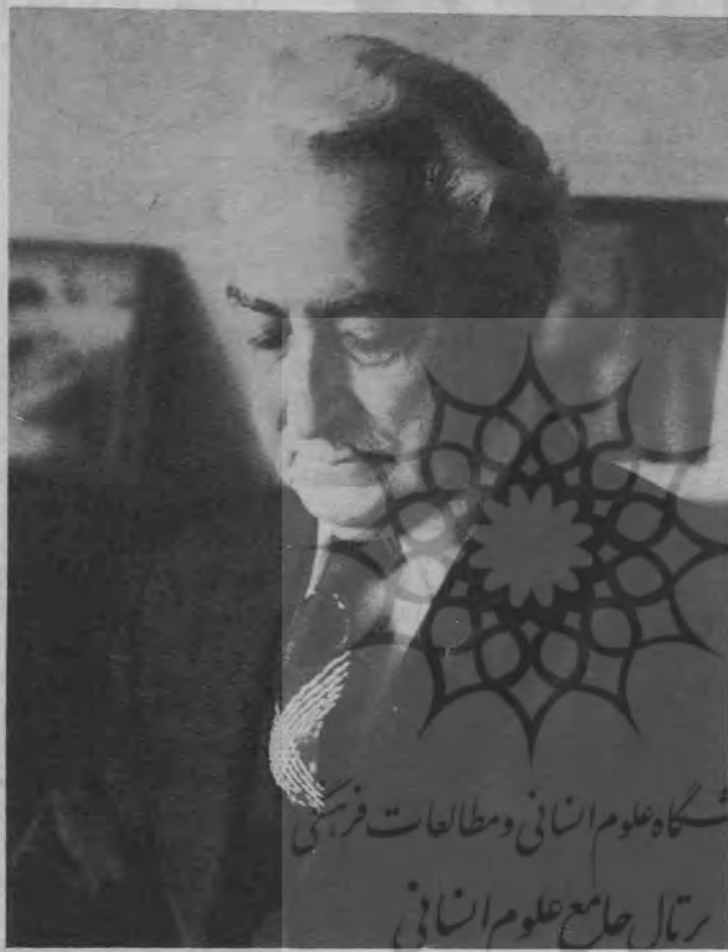
استاد تعریف می‌کند در فاصله افول هنر سه‌تارنوازان چیره‌دست و بزرگ تا زمانی که نواختن او گل کرد، سه‌تار منزوی شده بود و کسی به آن توجهی نمی‌کرد و می‌افزاید: "نواختن من باعث شد که سه‌تارهای خاک‌گرفته از بالای رف‌ها و کنج انبارها بیرون آید، گردگیری شود و نواختن آن دوباره رواج یابد. تار هرگز این وضع را نداشت. من تا وقتی به کمال سنی نرسیده بودم، خود را نوازنده نمی‌دانستم."

از خاطرات نخستین روزهای نوازندگی خود در رادیو می‌گوید: "روزهای اولی که در رادیو تک‌نوازی می‌کردم و مستقیم به گوش دیگران می‌رسید، از دوستان صاحب‌نظر و نزدیک خواهش کردم نظر خود را در مورد برنامه به من بگویند. می‌گفتند خوب نیست. برای من هم امکان شنیدن ساز خودی از رادیو نبود. چون برنامه مستقیم پخش می‌شد. آنوقت‌ها روش نواختن سه‌تار، سریع و با گردش تند دست‌ها روی سیم‌ها بود. نغمه‌ها باید سریع بیان می‌شد. این روش با توجه به خصوصیت صدایی سه‌تار و کیفیت دستگاه‌های پخش آن روزگار از کیفیت کار نوازندگی می‌کاست و شنونده اصواتی بدون حالت را می‌شنید. حال آنکه نوازندگی در خارج از سالن پخش و به دور از میکروفون، کیفیتی دیگر داشت. مدت‌ها فکر کردم. تا روزی دریافتم که بد نیست، فاصله نغمه‌ها و وزخمه‌ها را زیاد کنم و در واقع فاصله‌گذاری سیم‌ها را آزمایش کردم. وقتی با روش جدید، صدای ساز من از رادیو پخش

شد، همه پسندیدند. روش تازه آرام نواختن نغمه‌ها و فاصله گذاشتن و تفکیک سیم‌های سه‌تار بود..."

"مرحوم بنان مدتی پس از به‌کارگیری روش جدید روزی که برنامه داشتیم، سراغم آمد. باهم به بی‌سیم قصر رفتیم. من به اطاق پخش رفتم و او در اطاق فرمان ماند. وقتی من می‌نواختم، دیدم مرحوم بنان مرتب از روی صندلی بلند می‌شود و به من نگاه می‌کند.

نمی‌توانند با تکیه بر چیره‌دستی و تسلط خود، همراهان خوبی باشند. باید از نظر احساس و عاطفه یکدیگر را خوب بشناسند. مثل شادروانان مرتضی محجوبی و غلامحسین بنان. "می‌پرسم درست است که دیگران موسیقی ایرانی را درک نمی‌کنند و موسیقی، بیرون از مرزهای ما، ممکن است با اعتراض و قهر شنونده روبه‌رو شود؟ جواب می‌دهد: "چنین نیست، من در کشورهای متعددی، تکنوازی کرده‌ام، در مقابل



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رئیس هیئت مدیره

جمعیت‌هایی تا هشت‌هزار نفر... تنها یا به همراهی ارکستر. همه‌جا استقبال دیدم. همه در مورد کیفیت ما پرسش می‌کردند. چنان تشویق می‌کردند که باورکردنی نبود. اصلاً عیار اصالت و غنای موسیقی ما، پذیرش دیگران است. موسیقی نیاز به ترجمه ندارد تا محتوای آن را بتوان دستکاری کرد."

از استاد در مورد زبان ارتباطی موسیقی می‌پرسم. پاسخ می‌دهد: "موسیقی ما، در همه مظاهر فرهنگ، شعر، گفت‌وگو و تلقی ما از طبیعت سایه انداخته است. موسیقی ایرانی، زبان بیان عواطف ایرانیان است، مثل موسیقی همه دنیا."

من داشتم دست‌وپای خود را گم می‌کردم. علت را نمی‌دانستم. وقتی کار تمام شد، باعجله خود را به من رساند و دست‌ها و ساز مرا معاینه کرد. گفت وسیله اضافی نداری؟ تعجب کردم. گفت آخر همه می‌گویند وسیله جدیدی به سه‌تار اضافه کرده‌ای... کسی باور نمی‌کرد که فقط روش عوض شده است."

استاد عبادی، از روان‌شاد بنان با تجلیل یاد می‌کند. توضیح می‌دهد که صدای بنان برای آواز ایرانی پدیده‌ای بود که کمتر شنیده می‌شود. "همراهی نوازنده با خواننده آواز ایرانی، وقتی کامل است که توأم با شناسایی و نزدیکی روحی دونفر باشد، هر نوازنده، هرچه چیره‌دست و هر خواننده، هرچه مسلط،